

پیام هلال

شهریه داخلی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

روایت فعالیت‌های متفاوت در خانه‌های تخصصی

فراتر از امداد

۲

گفت‌وگو با مسئول خانه هلال تخصصی هنر درمانی جمعیت هلال احمر درباره مخاطبینش، کودکان دارای نیازهای خاص

وقتی هنر مرهم می‌شود

۶

داستان یک کشتی امداد رسان

«فارور»، التیام بخش زخم‌های جزیره

۱۱

سر مقاله

زمستان سخت با پیام هلال

زمستان است و هوا بس ناجوانمردانه سرد است. برف و بوران جاده‌ها را بسته‌اند و حال، امدادگران سخت، مشغول امداد رسانی‌اند. سوز سرما و مأموریت‌ها زیاد است؛ به خاطر همین است که در روزهای سخت زمستانی، ما برای این شماره رفتیم سراغ دستاوردهایمان. از خانه هلال و آدم‌های خاصش گفتیم. البته که یک صفحه هم سرگرمی داریم و فیلم، کتاب و بازی گروهی معرفی کردیم. متولد جدید این شماره هم داستان دنباله‌دارمان است تا شاید در روزهای سخت زمستانی کمی حالتان بهتر شود.

روایت فعالیت‌های متفاوت در خانه‌های تخصصی

فراتر از امداد

سیمافراهرانی | خانه‌های هلال، امروز دیگر تنها یک سازوکار امدادی در زمان بحران نیستند؛ آن‌ها به مشارکت مردمی، خلاقیت اجتماعی و اعتماد عمومی تبدیل شده‌اند. از خانه‌های هلال تخصصی در استان گلستان که با تکیه بر دانش نخبگان و فناوری‌های نوین، مسیر نوآوری در امداد و نجات را هموار کرده‌اند تا خانه هلال اقبالیه در استان قزوین که با زبان ورزش و فعالیت‌های فرهنگی، جوانان را از حاشیه آسیب به توانمندی بازگردانده است؛ همه و همه نشان می‌دهد که خانه‌های هلال، متناسب با نیاز هر منطقه، می‌توانند نقشی فراتر از انتظار ایفا کنند. به مناسبت ایام فجر، درباره دستاوردهای هلال‌احمر، صحبت کردیم، خانه هلال، دستاورد مهم جمعیت است، حالا تعداد این دستاورد، حدود ۷ هزار خانه است. روایت پیش‌رو، نگاهی است به دو تجربه متفاوت اما هم‌راستا؛ تجربه‌هایی که یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند؛ ساختن جامعه‌ای آماده‌تر، همدل‌تر و مسئول‌تر.



خانه هلال رباتیک

محمدمیرزا حسین‌نیا، مسئول خانه‌های هلال استان گلستان، از سال ۹۹ می‌گوید، از زمانی که خانه تخصصی در حوزه علمی و نخبگان راه‌اندازی شد: «نخبگان و جوانان زیادی در استان داریم که در مسابقات ملی و حتی بین‌المللی و جهانی، به‌ویژه در حوزه رباتیک، رتبه‌های برتر کسب کرده بودند. به همین دلیل اولین خانه هلال تخصصی پارسک علم و فناوری در گلستان راه‌اندازی شد.» به گفته حسین‌نیا، این خانه هلال اقدامات شاخص زیادی داشته است؛ مجوز حضور در مسابقات جهانی رباتیک در هند که به خاطر شرایط ناپایدار کشور در زمان جنگ ۱۲ روزه، لغو شد و حضور موفق در مسابقات ملی رباتیک اصفهان که اعضای خانه هلال توانستند در سه لیگ مختلف، رتبه‌های برتر کشوری را کسب کنند، از جمله اتفاقات مهم است. او در ادامه به ماهیت فعالیت این خانه هلال اشاره می‌کند و می‌گوید: «اعضای خانه هلال تخصصی پارسک علم و فناوری، هم‌زمان عضو داوطلب جمعیت هلال‌احمر هستند و بر اساس دستورالعمل‌های سنی، در سازمان جوانان یا داوطلبان فعالیت می‌کنند. در کنار فعالیت‌های بشردوستانه، مأموریت تخصصی این خانه هلال آن است که در حوادث طبیعی و بحران‌ها، در کنار امدادگران حضور داشته باشند، نیازهای عملیاتی را از نزدیک لمس کنند و بر اساس همان نیازها، ایده‌پردازی، طراحی و تولید محصول انجام دهند.»

او برای ملموس‌تر شدن موضوع، مثال‌هایی دارد: «مثلاً در زمان زلزله، نجات‌گر در صحنه بحران قطعاً نیازهایی دارد. بچه‌های ما نیاز امدادگر را شناسایی کرده، ایده‌پردازی می‌کنند و تولید محصول برای پیشبرد هرچه سریع‌تر اقدامات در صحنه بحران خواهند داشت؛ همچنین از جمله اقدامات انجام‌شده می‌توان به ساخت ربات زیردریایی برای مأموریت‌های مرتبط با آب و غریق، طراحی و ساخت کوادکوپترها و پرنده‌های بدون سرنشین متناسب با نیازهای امداد و نجات و همچنین طراحی تیوب هوشمند نجات غریق اشاره کرد که با سرعت بالا به سمت فرد حادثه‌دیده حرکت می‌کند و در نجات جان او مؤثر است.»



سابقه درخشان

حسین‌نیا با اشاره به پیشینه استان گلستان در این حوزه می‌گوید: «گلستان از سال ۱۳۹۱ به‌عنوان دبیرخانه کشوری ربات‌های نجاتگر در جمعیت هلال‌احمر فعالیت داشته و تجربه حضور در مسابقات جهانی در کشورهایی مانند هلند و ژاپن را در کارنامه خود ثبت کرده است. این تیم‌ها در مسابقات ملی نیز بارها موفق به کسب رتبه شده‌اند و در نمایشگاه‌های «علم تا عمل» حضور پررنگ داشته‌اند؛ به طوری که غرفه استان گلستان در برخی دوره‌ها به عنوان غرفه ویژه مورد بازدید نهاد ریاست جمهوری قرار گرفت.»

پروژه‌های جاری

او در ادامه از پروژه‌های در دست اجرا سخن می‌گوید: «در حال حاضر، اعضای این خانه هلال روی پروژه ساخت کلاه ایمنی هوشمند کار می‌کنند؛ کلاهی که قابلیت شناسایی موقعیت امدادگر در صحنه حادثه و ارسال تصویر زنده به مرکز پیام را دارد. این افراد از سوی جمعیت نیز حمایت می‌شوند. مثلاً برای حضور در مسابقات کشوری که در اصفهان برگزار شد، با دبیرکل جمعیت هلال‌احمر مکاتبه کردیم، برآورد اعتباری انجام شد و با دستورایشان، زمینه حمایت از تیم و حضور در مسابقات فراهم شد.» او در پایان به برنامه‌های فرهنگی – علمی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در هفته هلال، خانه هلال تخصصی پارک علم و فناوری میزبان نمایشگاه نجوم و برنامه رصد آسمان شب بود. با استقرار تلسکوپ‌ها، بیش از دویست نفر از کودکان، نوجوانان و جوانان علاقه‌مند در این برنامه شرکت کردند و از نزدیک به رصد ستارگان و صورت‌های فلکی پرداختند. این برنامه‌ها نشان می‌دهد، خانه‌های هلال، علاوه بر امداد و نجات، به پایگاهی برای امید، آگاهی، علم و مشارکت اجتماعی تبدیل شده‌اند.»



ورزش، امداد و پیشگیری

در میان خانه‌های هلال استان قزوین، برخی تجربه‌ها فراتر از چارچوب‌های معمول حرکت کرده‌اند و به الگویی شاخص در سطح محلی و حتی ملی تبدیل شده‌اند. خانه هلال شهر اقبالیه از جمله همین نمونه‌هاست؛ خانه‌ای که با تکیه بر ظرفیت ورزش، استعدادیابی جوانان و آموزش‌های امدادی، مسیری متفاوت را در توسعه مشارکت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی پیموده است. خانه هلال اقبالیه امروز، تنها یک پایگاه امدادی یا ورزشی نیست؛ نمونه‌ای از پیوند ورزش، آموزش، پیشگیری اجتماعی و فرهنگ داوطلبی است که نشان می‌دهد خانه‌های هلال، اگر متناسب با نیازهای محلی شکل بگیرند، می‌توانند نقشی عمیق و

ماندگاری در جامعه ایفا کنند. ناصر صبوری، مسئول خانه‌های هلال استان قزوین، در معرفی خانه هلال اقبالیه، می‌گوید: «حدود پنج سال از راه‌اندازی خانه هلال اقبالیه می‌گذرد. این خانه هلال در یکی از شهرهای کم‌برخوردار شهرستان قزوین شکل گرفت و از همان ابتدا تلاش کرد متناسب با نیازهای اجتماعی منطقه، مسیر فعالیت خود را تعریف کند. علاوه بر تیم‌های امدادی، با توجه به وجود آسیب‌های اجتماعی و نیاز جدی به جذب جوانان، تصمیم گرفتیم ورزش را به‌عنوان محور اصلی فعالیت خانه هلال انتخاب کنیم؛ مسیری که هم به سلامت جسم و روان جوانان کمک می‌کند و هم زمینه‌ای برای جذب، آموزش و توانمندسازی آن‌ها در قالب فعالیت‌های هلال‌احمر فراهم می‌سازد.»

ورزش در کنار امداد

اگرچه فعالیت ورزشی وجه شاخص خانه هلال اقبالیه است، اما این تنها مأموریت آن نیست. مسئول خانه هلال توضیح می‌دهد: «تمام اعضای که جذب می‌شوند، پس از عضویت، دوره‌های آموزشی امداد و کمک‌های اولیه را می‌گذرانند؛ از دوره‌های مقدماتی تا آموزش‌های تخصصی را. در همین سال جاری، تادی‌ماه، حدود ۴۰ دوره آموزشی در خانه‌های هلال استان برگزار شده است. در این خانه هلال خاص نیز کنار ورزش، تیم‌های امدادی محلی تشکیل داده‌ایم تا در صورت بروز حادثه، از همین نیروهای آموزش‌دیده برای خدمت‌رسانی در منطقه استفاده شود. این یعنی آموزش، به کارگیری و اثربخشی واقعی در بحران‌ها.»

حمایت‌های مؤثر

موفقیت‌های خانه هلال اقبالیه، توجه مسئولان را نیز به خود جلب کرده است. به گفته مسئول این خانه: «با پیگیری‌ها و همراهی نماینده مجلس و با هماهنگی انجام‌شده، توانستیم ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار برای تجهیز سالن ورزشی جذب کنیم. این اعتبار صرف رفع مشکل تشک‌های ورزشی شد و نقش مهمی در تداوم فعالیت تیم‌ها داشت. این حمایت‌ها، نشانه اعتماد مدیریت شهری و نمایندگان به اثرگذاری خانه‌های هلال است.»

صبوری می‌گوید: «ما مواردی داشتیم که جوانی در مسیر آسیب قرار داشت، اما با ورود به خانه هلال، فعالیت ورزشی، آموزش و موفقیت، مسیر زندگی‌اش عوض شد. این‌ها دستاوردهایی است که شاید در آمار و مدال خلاصه نشود، اما ارزشمندترین نتیجه کار ماست.»

خانه هلالی که مدال می‌آورد

خانه هلال اقبالیه امروز به واسطه موفقیت‌های ورزشی چشمگیر شناخته می‌شود. به گفته مسئول این خانه، تیم‌های ورزشی فعال در رشته‌هایی مثل فوتبال، کبدی و سایر رشته‌های تیمی و انفرادی توانسته‌اند در سال‌های اخیر مدال‌ها و مقام‌های متعددی در سطح استانی، کشوری و حتی بین‌المللی کسب کنند. او با اشاره به یکی از افتخارات شاخص این خانه هلال می‌گوید: «در حال حاضر حدود چهار نفر از اعضای خانم خانه هلال اقبالیه عضو تیم ملی کبدی کشور هستند که در مسابقات بین‌المللی، از جمله رقابت‌های برگزار شده در بنگلادش، موفق به کسب مقام شده‌اند. این اتفاق برای یک خانه هلال محلی، دستاورد بزرگی محسوب می‌شود.» به گفته او، انتخاب ورزش به عنوان محور فعالیت، تصمیمی آگاهانه بوده است: «ورزش برای ما فقط مدال و قهرمانی نیست. ورزش ابزاری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. در محله‌هایی که خانه هلال اقبالیه فعال است، جوانانی بوده‌اند که در معرض آسیب، بیکاری یا حتی اعتیاد قرار داشتند. در مقابل نیز استعدادهای زیادی دارند. که ورود آن‌ها به فضای ورزشی و سپس عضویت در خانه هلال، مسیر زندگی‌شان را تغییر داد. ما به صورت جدی روی استعدادیابی کار کردیم. حضور فرهنگی- ورزشی خانه هلال در دو محله هدف، باعث شد جذب جوانان بسیار خوب باشد و اعتماد عمومی به هلال احمر افزایش پیدا کند.»



نقطه عطف مأموریتی

نقطه عطف فعالیت رسمی این خانه هلال، به مأموریتی در یکی از سیلاب‌های کشور بازمی‌گردد؛ جایی که پس از ۱۹ روز جست‌وجوی بی‌نتیجه، تقریباً همه امیدها از بین رفته بود؛ اما تیم سگ‌های امدادیار توانست در مدت تنها هفت تا هشت ساعت، پیکر فرد مفقودشده‌ای را پیدا کند. همین عملیات موفق، مسیر صدور مجوزهای رسمی را هموار کرد و خانه هلال تخصصی سگ‌های امدادیار، فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز کرد.

چند ساعت معجزه

این حادثه تلخ نیمه‌شب، رخ داد. زن و شوهری در جاده رودسر گرفتار سیلاب شده بودند؛ خودروی‌شان را آب برده بود. پیکر زن، ده کیلومتر جلوتر پیدا شد، اما مرد ناپدید شده بود. ۱۹ روز جست‌وجو، بدون نتیجه: «امید خانواده و مردم تقریباً از بین رفته بود. حتی همکاری مردمی نیز کاهش یافته بود؛ چرا که بسیاری باور داشتند دیگر پیکر پیدا نخواهد شد؛ اما خوابی که مادر خانواده دیده بود، ورق را برگرداند. بر اساس همان خواب، خانواده بار دیگر از تیم سگ‌های امدادیار در خواست کمک کردند؛ نه با امید قطعی، بلکه برای آنکه به مادر بگویند ما همه تلاشمان را کرده‌ایم. در نهایت تیم سه نفره سگ‌های جست‌وجو وارد منطقه شد. منطقه با استفاده از نقشه به چند بخش تقسیم و عملیات آغاز شد. تنها چند ساعت بعد، سگ‌ها به نقطه‌ای مشخص واکنش نشان دادند. پیکر مرد، پشت یک سد پیدا شد؛ جایی که هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد. وقتی پیکر پیدا شد، حدود ۲۰ دقیقه فریاد می‌زدیم، اما کسی صدایمان را نمی‌شنید. منطقه خالی بود و حتی آنتن موبایل هم نداشتیم.» با این حال، بعد از ۱۹ روز، مأموریت به پایان رسید؛ مأموریتی که بار دیگر نقش حیاتی سگ‌های آموزش‌دیده را در عملیات‌های بحران نشان داد.

همیشه آماده

نوری می‌گوید در جریان جنگ اخیر نیز، اجساد زیادی توسط سگ‌های تیم‌های این خانه هلال شناسایی شد و در تمام مدت، نیروها در آماده‌باش کامل بودند. خانه هلال تخصصی سگ‌های امدادیار، کاملاً مردمی و داوطلبانه اداره می‌شود؛ اما با نظم، فیلترینگ و چارچوب مشخص. نوری توضیح می‌دهد: «در بسیاری از بحران‌ها، افراد با سگ‌های شخصی و بدون آموزش وارد صحنه می‌شوند و مدعی توانایی جسدیابی هستند؛ اقدامی که نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه گاهی عملیات تیم‌های تخصصی آنست را با مشکل مواجه می‌کند. خانه هلال ما، سعی کرده این مشکل را برطرف کند. ما همین ظرفیت مردمی را به صورت اصولی ساماندهی کرده‌ایم. آموزش می‌دهیم، از مون می‌گیریم و فقط افراد واجد صلاحیت وارد صحنه می‌شوند.» نوری از تصمیمی شخصی سخن می‌گوید: «من شرایط کاری زیادی در خارج از کشور داشتم، اما دوست دارم در کشور خودم خدمت کنم. فکر کردم در جمعیت هلال احمر می‌توانم کاری انجام دهم که واقعاً به درد مردم بخورد و تا به حال هم همین اتفاق افتاده است.»



گفت و گو با مسئول خانه هلال تخصصی هنر درمانی جمعیت هلال احمر درباره مخاطبینش، کودکان دارای نیازهای خاص

وقتی هنر مرهم می شود

فرشته کیانی | «خانه های هلال»، نوعی هلال احمر کوچک برای اقدامات اجرایی جمعیت با هدف افزایش تاب آوری جامعه محلی اند. با تشکیل این مراکز در سال ۱۳۹۴ که ساختاری داوطلبانه دارند، تمام ظرفیت های خدمت رسانی هلال احمر مبتنی بر نیاز هر منطقه شامل آموزش، با محوریت خودامدادی در حوادث طبیعی و محرومیت زدایی به کار گرفته می شود. در این نهاد های به ظاهر کوچک چه می گذرد؟ خانه هایی که به قول «مسئول خانه هلال تخصصی هنر درمانی»، هر چند «گمنام» فعالیت می کنند، اما چه زخم هایی را که مرهم نبوده اند و چه دردهایی را که در مان. تخصص «سحاب تربتی» موسیقی است و هنر را درمانی بر دردهای بشر می داند، او چند وقتی است مدیر خانه هلال تخصصی هنر درمانی است، این خانه هلال در سال ۱۴۰۳ تأسیس شده. تربتی از سال ۱۳۸۰ همکاری داوطلبانه اش را با جمعیت شروع کرده و امروز، هنرش را به عنوان مرهمی برای درد کودکان دارای نیاز های خاص به کار می گیرد.



■ از فعالیت های تان در خانه هلال تخصصی هنر درمانی بگویید.

خانه های هلال تخصصی هنر درمانی ایران، با ساختار داوطلبی، در سطح ملی و بین المللی در زمینه علمی، آموزشی، پژوهشی، تحقیقاتی، مطالعاتی، فرهنگی، هنری و ... فعالیت می کنند. این خانه ها از زمان تأسیس تاکنون در بیش از ۱۰ جشنواره، همایش و کنگره ملی و بین المللی فعالیت های چشمگیری داشته اند. از جمله عضویت در کمیته های علمی و داوری، ارائه مقالات تخصصی، اجرای فعالیت های فرهنگی و هنری، ارائه خدمات و ... از فعالیت های ماست.

■ جامعه هدف فعالیت های شما چه کسانی هستند؟

در حال حاضر، جامعه هدف و عمده فعالیت های خانه در راستای ارتقای تاب آوری کودکان در حوادث، بر اساس ساختار و اهداف جمعیت هلال احمر است. خانه هلال تخصصی هنر درمانی کودکان «اوتیسم»، «سی پی (فلج مغزی)»، «ای دی اچ دی (اختلال بیش فعالی و کم توجهی)» و افراد و کودکانی را که دچار اضطراب هستند، پوشش می دهد. در حقیقت، از هنر برای ارتقای مهارت های اجتماعی افراد استفاده می کنیم، از موسیقی گرفته تا نقاشی و کار دستی و تئاتر؛ و تمام کارهایی که ما به آن دستورزی می گوییم.

■ تاثیر فعالیت های شما در خانه هلال بر مراجعان تان چه بوده، آیا دستاوردها محسوس است؟

در خانه هلال تخصصی هنر درمانی کودکان دارای لکنت زبان، ناشنوا، کم شنوا، معلول جسمی و ذهنی زیادی داشتیم و شاهد پیشرفت در وضعیت آنها بودیم. کودکی با لکنت زبان به مرکز ما مراجعه کرده بود. دوره های گفتار درمانی را هم در مراکز دیگر گذرانده بود، اما با آنها همکاری نمی کرد. این کودک در مرکز ما توانست با متخصصان ارتباط برقرار کند. ما توانستیم در حدود ۶ ماه، لکنت او را تا ۵۰ درصد برطرف کنیم. در این مرکز با کودکانی مواجه بودیم که پدر و یا مادرشان را از دست داده بودند یا با کودکانی روبه رو بودیم که حتی



و علم تخصصی، معمولاً از ورود به این عرصه شانه خالی می کنند. در زمان درخواست تأسیس این خانه هلال تخصصی، در مصاحبه با مدیر کل دفتر توسعه خانه های هلال، نشانه هایی از تجربه و آگاهی در زمینه فعالیت های فرهنگی، هنری و درمانی و شناخت درباره توانمندسازی کودکان آسیب دیده وجود داشت. حضور فعال و پیگیری همیشگی مدیر کل دفتر توسعه خانه هلال، یک ثروت معنوی و دلگرمی خوبی در جهت پیشبرد اهداف ما بود.

■ چه چالشی در مسیر این همکاری وجود داشت؟

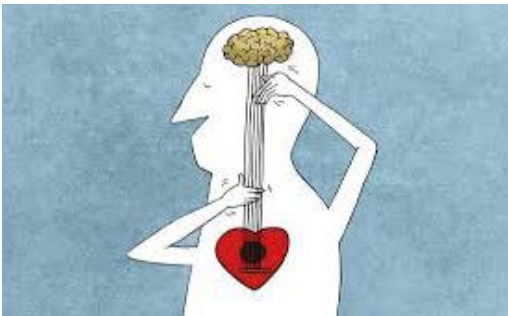
خانه های هلال نیازمند یک سیستم اتوماسیون، شورای اندیشه ورزی، انجمن واحد از دل خانه های هلال و وضع قوانین بهتر و بیشتر در راستای ارائه فعالیت های خود هستند که از خود خانه های هلال باید این بستر شکل گیرد. خانه های هلال باید بتوانند درآمذایی از فعالیت ها و خدمات تخصصی خود داشته باشند، با این شرایط، قطعاً نیروهای تخصصی هم در آنها فعالیت خواهند داشت و این باعث انگیزه کاری بهتر و ارائه خدمات تخصصی بهتر خواهد بود. در حقیقت به جای دریافت کمک از دیگران، هر خانه به تنهایی می تواند به نوعی باعث کارآفرینی و اشتغال زایی برای بسیاری از افراد شود.



آداب مهربانی

دگرخواهی اخلاقی

طاها موسوی | اصولاً انسان شکننده است و حتی در اوج قدرت هم ممکن است این شکنندگی بروز پیدا کند. اولین عامل شکنندگی انسان ها حوادث طبیعی، مانند سیل، زلزله، جنگ ها و نزاع های قبیایلی و قومی است. حتی در نگاه خاص تر از دست دادن یک عزیز هم می تواند باعث فرو ریختن ما شود و این بافت می شود که ما به اجتماع روی بیاوریم تا از آلام بشر بکاهیم. به قول ارسطو «تنها حیوانات می توانند تنهایی را تاب بیاورد»، لذا شکنندگی ما در اجتماع تقلیل پیدا می کند. هر انسانی که در جامعه زندگی می کند، باید در زیست اجتماعی مسئولیت پذیر و پاسخگو باشد. مسئولیت با دگرخواهی گره می خورد که باید در مقابل خودخواهی مقاومت کند. آنچه مهم است اینکه ما باید برای مسئولیت از یک الگوی دقیق و قابل استناد بهره مند شویم. در مسئولیت ها الگوهای متفاوت و متنوع را می توان برشمرده الگوی پزشکی/الگوی پروگوانه/الگوی جبرانی؛ ولی هدف ما در مسئولیت پذیری الگوی اخلاقی است که تفسیر این شعر است: «تو که محنت دیگران بی غمی/نشاید که نامت نهد آدمی ...» برای اینکه جامعه ای شکوفا داشته باشیم، باید نسبت به حوادث دنیا یک واکنش اخلاقی داشته باشیم و آن اینکه رنج را برطرف کنیم و حتی در سطح بالا اینکه از آسیب ها پیشگیری کنیم. پس رشد ما در این است که نیکی را بگسترانیم. گوهر اخلاقی دو جنبه دارد: جنبه سلبی، اینکه کار بدی نکنیم و جنبه ایجابی، اینکه کار اخلاقی کنیم. آنچه در مقدمه آمد در مورد اهمیت اخلاقی و مسئولیت پذیری است تا بعد درباره آن بیشتر و بهتر توضیح دهیم.



■ از تاثیر هنر بر درمان می‌گویید؟

در قلمرو زیست‌شناسی و علوم شناختی، هر فعالیتی که به بقا کمک یا سازگاری را محیط را تسهیل کند یا از رفتارهایی در این جهات ناشی شود، مابعداً شمرده می‌شود. هنر نیز یکی از این فعالیت‌هاست. پس هنر یکی از راه‌ها و ابزارهای تأمین بقای انسان است و بدیهی است در شرایطی مانند بیماری‌ها و مشکلات روحی و جسمی نیز می‌تواند نقشی تصحیح‌کننده و تسکین‌بخش بازی کند.

هنر وسیله‌ای برای ابراز احساسات و برقراری ارتباط با دیگران و مانند زبانی جهانی است. لذا می‌تواند نقشی پالایش‌دهنده ایفا کند و ارتباط انسانی را ارتقا بخشد. در آثار هنری با پیام‌ها، تمثیل‌ها و اشارات روبه‌رو می‌شویم و تخیلات هنری چون از اعماق ناخودآگاه انسان نشأت می‌گیرند، تمایلات، روحیات و محتویات درونی و گاه پنهان او را آشکار می‌کنند. هنردرمانی طیف وسیعی از رویکردها و کاربردهای درمانی را در برمی‌گیرد که معمولاً در آن از هنرهای بصری مانند نقاشی، طراحی، کلاژ و مجسمه‌سازی استفاده می‌شود و اشکال دیگری مانند موسیقی‌درمانی، نمایش‌درمانی یا استفاده از ادبیات نیز وجود دارند.

در هنرهای بصری و موسیقی، هنر به عنوان ابزاری برای ارتباط

و بیان غیرکلامی به کار می‌رود و آنچه در زبان نمی‌گنجد یا توسط آن قابل انتقال نیست، بیان می‌شود. هنردرمانی نوعی تلاش سازمان‌یافته برای کمک به افراد است تا ارتباط انطباقی و سازگاری بهتری میان خود و جهان بیرون پیدا کنند. تکنیک‌های هنردرمانی بر اساس رویکردهای گوناگون سیستمی، تحلیل روانی، شناختی و رفتارگرایی بنا شده و در مسائل مختلف روانی، اجتماعی و عاطفی کاربرد اصولی پیدا کرده است.

امروزه در عرصه بهداشت روان، هنردرمانی هم در درمان و هم در پیشگیری نقش بازی می‌کند. در بخش پیشگیری کاربرد وسیعی پیدا کرده است و به خصوص در کودکان در آموزش کودکان استثنایی و عادی و افزایش اعتماد به نفس نوجوانان به کار می‌رود. کودکان معمولاً حس هنری بالایی دارند و ذاتاً خلاقند و از آنجا که دایره واژگانی آنها محدود است به راحتی می‌توانند از نقاشی و طراحی برای ابراز احساسات خود در قالب تصاویر استفاده کنند.

هنردرمانی در تمام سنین و در مراحل مختلف رشد و نیز گروه‌های اجتماعی گوناگون به کار می‌رود و موارد کاربرد آن فهرست بلندبالایی را دربرمی‌گیرد که هم بیماران بستری در بیمارستان‌ها را شامل می‌شود و هم به طور سرپایی قابل استفاده

است. هنردرمانی در ارتقای سبک زندگی و بهداشت عمومی افراد سالم نیز نقش مثبت دارد. به عنوان مثال، کاهش استرس که ناشی از فعالیت‌های لذت‌بخش هنری است موجب تقویت سیستم ایمنی بدن می‌شود و نقش حفاظتی در برابر بیماری‌ها ایفا می‌کند. تمرین‌های هنری فرصتی برای ایجاد هماهنگی میان چشم‌ها و دست‌ها و در نتیجه تهییج مسیرهای عصبی میان دست و مغز است که موجب افزایش سطح انرژی و اعتماد به نفس می‌شود. عقب‌ماندگی ذهنی، مشکلات یادگیری در کودکان، ناکامی‌های تحصیلی، اضطراب، افسردگی، اختلالات تبدیلی، وسواس، اختلال دوقطبی، اسکیزوفرنی، مشکلات زناشویی، بیماری‌های مزمن کلیه، سرطان، هموفیلی، اَسِم، ایدز، دیابت، صدمات مغزی، دردهای مزمن، پارکینسون، مشکلات سالمندان و آلزایمر از جمله موارد گسترده کاربرد هنردرمانی به شمار می‌آید.

به‌تازگی هنردرمانی در عرصه‌های شناختی و رفتارگرایی نیز برای ایجاد مهارت‌های اجتماعی به کار می‌رود. به‌طور کلی می‌توان گفت که هنردرمانی در ارتقای کیفیت کلی زندگی و کمک به افزایش احساس خوب بودن و سلامت فیزیکی و روانی موثر است.



گزارش تطبیقی
روایت‌های مردمی
و آمارهای کمیته
بین‌المللی صلیب سرخ
از بحران گرسنگی
در افغانستان

قحطی خاموش

راضیه زرگری | مه‌جان، مادر ۵۰ ساله هراتی، عکس پسر ۱۵ ساله‌اش را در دست گرفته که در سرمای منفی ۳ درجه کوه‌های مرزی افغانستان جان باخت. او برای یافتن کار راهی مرز شده بود تا خانواده‌اش را از گرسنگی نجات دهد. در همان روزها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارش تازه خود اعلام کرد که ۴.۷ میلیون نفر در افغانستان با گرسنگی حاد دست و پنجه نرم می‌کنند و ۱۷ میلیون نفر به کمک‌های فوری غذایی نیاز دارند. این گزارش می‌کوشد روایت‌های انسانی از عمق فاجعه را با آمار و یافته‌های نهادهای بین‌المللی تطبیق دهد.

فروپاشی اقتصادی و گروه‌های آسیب‌پذیر

انفجار مجروح شده و از کار افتاده. بی‌بی کوه پولش را برای عروس و ۶ نوه‌اش در مزارشریف می‌فرستد و با چشمانی اشکبار می‌گوید: «پری از یک سو، درد فرزندم از سوی دیگر... اگر من نباشم، چه کسی به او نان می‌دهد؟» صلیب سرخ تأکید می‌کند که وضعیت به‌طور نامتناسبی بر آسیب‌پذیرترین گروه‌ها از جمله کودکان سوهتغذیه‌دیده، سالمندان، افراد دارای معلولیت، خانوارهای با سرپرستی زنان و کارگران روزمزد تأثیر می‌گذارد. این نهاد هشدار می‌دهد که با تضعیف شبکه‌های ایمنی و کاهش مکانیسم‌های مقابله‌ای، این گروه‌ها با آینده‌ای نامعلوم روبه‌رویند.

بر اساس برآوردهای بین‌المللی، حدود ۷۵ درصد مردم افغانستان بیکار هستند و نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اقتصاد فروپاشیده، تحریم‌ها، مسدود ماندن دارایی‌ها و کاهش کمک‌ها، همراه با خشکسالی و بلایای طبیعی، توانایی خانواده‌ها برای خرید مواد غذایی را به شدت محدود کرده است.

بی‌بی کوه ۷۲ ساله در کابل، جلوی دبیرستان دخترانه در یک غرفه کوچک سیار لوازم التحریر و نقلات می‌فروشد. شوهرش ۴۳ سال پیش ناپدید شد. خودش با کار در خانه مردم بچه‌ها را بزرگ کرد. حالا پسرش در یک

ابعاد بحران: از آمار تا واقعیت تلخ روزمره

می‌خوریم. شام سیب‌زمینی. کوچک‌ترین سیب‌زمینی‌ها را می‌خرم چون ارزان‌تر است. این مادر شب‌ها وقتی بچه‌ها خوابند، بی‌صدا گریه می‌کند که چطور باید تا فردا صبح دوام بیاورند و قرض‌هایشان را پس بدهند.



آمار رسمی جدیدترین گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) که در ژانویه ۲۰۲۶ منتشر شده، نشان می‌دهد افغانستان با یکی از عمیق‌ترین بحران‌های غذایی خود روبه‌روست. بر اساس این گزارش، ۹۵ درصد از شرکت‌کنندگان در ارزیابی‌های میدانی، مصرف غذایی «ضعیف» داشته‌اند و ۹۵ درصد نیز به اقدامات شدید برای بقا متوسل شده‌اند؛ از جمله قرض کردن پول و به تعویق انداختن درمان‌های پزشکی. این آمار در زندگی روزمره افرادی چون مادر ۳۵ ساله کابلی تجسم عینی پیدا می‌کند. او که شوهرش سه سال است زمین گیر شده، با گلدوزی ماهیانه ۱۰۰۰ افغانی (۱۴ دلار) درآمد دارد. پزشکان برای شوهرش گوشت، میوه و سبزی تجویز کرده‌اند اما او می‌گوید: «بیشتر روزها صبحانه و ناهار نان

کودکان و مادران: قربانیان خاموش بحران

۱۵ افغانی (۲۳ سنت) درآمد داشت. بعد آماده بود به‌عنوان چوپان ماهیانه ۲۰۰۰ افغانی (۳۰ دلار) کار کند اما کاری پیدا نشد. راهی جز مهاجرت نماند. او یکی از ۱۸ مهاجری بود که در دی‌ماه ۱۴۰۴ در مسیر خروج از خاک افغانستان جان باختند. در حومه کابل، نوه ز رزشت ۴۵ ساله «سوراخ کبد» دارد و همه درآمد پسرش صرف درمان او می‌شود. یک کلینیک محلی که توسط سازمان‌های امدادی اداره می‌شود، توانسته نوه‌اش را از سوءتغذیه نجات دهد. ز رزشت می‌گوید: «این کلینیک برای ما مثل یک پناهگاه امن است.» این در حالی است که صلیب سرخ از کاهش شدید بودجه‌های بشردوستانه و دو سوم کاهش دسترسی به مناطق آسیب‌دیده خبر می‌دهد.

آمار رسمی: صلیب سرخ هشدار داده است که تقریباً ۱.۲ میلیون زن باردار و شیرده در سال ۲۰۲۶ به سوءتغذیه حاد مبتلا خواهند شد. همچنین نزدیک به ۳.۷ میلیون کودک ۵ تا ۵ ساله از سوءتغذیه حاد رنج می‌برند که یک‌سوم آنها در وضعیت سوءتغذیه حاد شدید قرار دارند. آمار تکان‌دهنده دیگری اینکه ۹۳ درصد نوزادان زیر شش ماه و ۸۴ درصد کودکان زیر دو سال منحصراً با شیر مادر تغذیه می‌شوند؛ آماري که به گفته صلیب سرخ، بازتاب تلخ واقعیت جدیدی است که در آن خانواده‌ها هیچ غذای دیگری برای خوراندن به کودکان خود ندارند. در روستای غنجان هرات، مه‌جان از پسر ۱۵ ساله‌اش می‌گوید که ابتدا کفش واکس می‌زد و روزی

زنگ خطر برای جهان

نه فقط یک آمار، بلکه روایت هزاران انسان معمولی است که زندگی‌شان در میان امواج فروپاشی اقتصادی و کاهش کمک‌ها در حال نابودی است.

گفتنی است کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) در گزارش جدید خود هشدار داده که حدود ۲۲.۹ میلیون نفر در افغانستان تحت تأثیر دهه‌ها درگیری، فروپاشی اقتصادی، تغییرات آب‌وهوایی و بازگشت گسترده مهاجران، با ناامنی غذایی، کمبود خدمات اساسی و بی‌سرباهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. صلیب سرخ تأکید کرد که بلاایسای طبیعی از جمله زمین‌لرزه‌ها، خشکسالی‌های مکرر و سیلاب‌های ویرانگر، زیرساخت‌های حیاتی را نابود و اقتصاد محلی را فلج کرده‌اند. این شرایط، همراه با موج بازگشت میلیون‌ها مهاجر از کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران، فشار غیرقابل تحمیلی بر سیستم‌های خدماتی وارد کرده است.

لیزا اوون، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان، هشدار می‌دهد: «گرسنگی حاد یک چالش مداوم در افغانستان است، اما آخرین آمارها نشان‌دهنده وخامت بی‌سابقه نیازهای بشردوستانه است. با ادامه فصل زمستان، خانواده‌های بیشتری در آستانه قحطی قسار خواهند گرفت، در حالی که پاسخ بشردوستانه در افغانستان با کمبود شدید بودجه مواجه است.» او تأکید می‌کند: «رهبران جهان نباید از این موضوع چشم‌پوشی کنند. بودجه بشردوستانه باید فوراً افزایش یابد تا مردم افغانستان از لبه پرتگاه گرسنگی نجات یابند.»

در پشت هر آمار، انسانی با داستانی تلخ ایستاده است؛ مادری که برای نجات فرزندش دست به هر کاری می‌زند، نوجوانی که در کوه‌های مرزی یخ می‌زند تا خانواده‌اش سیر شوند، و کودکانی که فردایی جز نان خشک ندارند. بحران بشردوستانه در افغانستان

روایت معاون داوطلبان استان زنجان از اجرای طرح نذر خدمت در لرستان

وقتی عشق جریان دارد



معاون داوطلبان هلال احمر زنجان از پروژه‌های به ثمر رسیده در نذر خدمت امسال می‌گوید: از دستگاه‌های تصفیه آب که به کمک خیرین خریداری شد و در روستاهای پل دختر لرستان نصب شد تا مردم آن مناطق آب پاکیزه برای آشامیدن دسترسی داشته باشند؛ تا مسجد و مدرسی که به دست خیرین داوطلب به صورت خودجوش ترمیم و بازسازی شد. نذر خدمت کار بسیار سختی است و همانطور که علی منفرد معتقد است اگر دلی نباشد و نیت افراد داوطلبانه نباشد؛ اصلاً پیش نمی‌رود و به قول معروف «کار خوشگل در نمی‌آید...» کار اما از زنجان به لرستان بسیار خوشگل در آمده است.

برای ساخت دستگاه تصفیه آب نزدیک به هشت سال است که در نذر خدمت‌های ملی حضور دارند؛ شاخص‌ترین اقدام امسال شان تهیه دستگاه تصفیه آب برای روستاهای محروم لرستان بوده است. داوطلبان هلال احمر زنجان در کنار خیرین در نذر خدمت گل کاشتند. علی منفرد، معاون داوطلبان هلال احمر این استان، از هشتمین سال متوالی حضورش در نذر خدمت می‌گوید: «نذر خدمت خادم می‌خواهد؛ باید دلی کار کرد؛ تعارف نداریم. کسی که نتواند دلی کار کند نمی‌تواند در کارهایی که داوطلبانه و خیرخواهانه است، درست کار کند. چون پولی در کار نیست و همه چیز با نیت رضایت خدا و کمک‌درسانی به بنده خدا پیش می‌رود.»

کار دلی

برای توصیف بیشتر اینکه کار داوطلبانه باید از دل برآید، از پزشکان داوطلب و سختی‌هایی که به جان می‌خرند، تعریف می‌کند؛ در ظاهر مشقت است اما برنامه‌ریزی با عشق است تا تخصصشان را بدون نفع مالی برای حال خوب هموطنشان نذر کنند: «پزشکان فوق تخصصی در نذر خدمت داریم که هر کدام مشغله‌های زیادی دارند؛ مطب دارند و بیماران بسیار ... فقط در همین حد بگویم که برای حضور ۴ روزه در نذر خدمت چندین ماه باید هماهنگی انجام شود تا بیماران و وقت‌های ویزیت و جراحی را جابه‌جا کنند... به همین راحتی نیست که ۱۲ پزشک فوق تخصص را هماهنگ کنیم و بپایند برای نذر خدمت؛ ولی می‌آیند و چون خودشان با جان و دل می‌خواهند در این ماموریت داوطلبانه حضور داشته باشند، همه چیز برایشان فراهم می‌شود.»

به شیرینی آب

یکی دیگر از شاخص‌ترین کارهای نذر خدمت هلال احمر زنجان، تهیه و نصب دستگاه‌های آب شیرین‌کن است؛ معاون امور داوطلبان استان می‌گوید: «سازنده دستگاه‌های تصفیه آب در زنجان است و نزدیک به یک دهه است که با جمعیت هلال احمر در حوزه داوطلبانه همراهی می‌کند.»

خیرین داوطلب با تولیدکنندگان دستگاه‌های آب شیرین‌کن رایزنی و کمک آن‌ها را جلب می‌کنند و در نهایت نتیجه کار تامین دستگاه آب شیرین‌کن برای مناطق محروم است. منفرد ادامه می‌دهد: «ما در جمعیت هلال احمر قبل از انتقال کاروان نذر خدمت، برآوردها را انجام و تامین نیاز برای انتقال و نصب در جایگاه‌های مور نظرمان را انجام می‌دهیم و در نهایت همراه با اجرای طرح نذر خدمت دستگاه‌های آب شیرین‌کن به همراه خیرین در مکان‌هایی که آب وجود دارد اما آب آنجا قابل آشامیدن نیست نصب می‌شود.»

برای روستاهای لرستان

با همین پیش‌زمینه و برنامه‌ریزی، منفرد و دوستانش، همین چند ماه قبل، مقصد طرح نذر خدمتشان را انتخاب کردند؛ جایی در روستاهای لرستان را، در میان کوه‌های سخت سر به فلک کشیده را؛ روستاهایی که اهالی آنجا، آب باران جمع شده در چاه‌ها، چاله‌ها و قنات‌های قدیمی را استفاده می‌کردند. منفرد توضیح می‌دهد: «اوله کشی از طریق خیرین استان هدف یا خیرین مرتبط با هلال احمر انجام و دستگاه‌های آب شیرین‌کن به لوله‌کشی نصب شد. پس از این اقدام است که با همین آب لوله‌کشی، دستگاه شیر آب و تانکر پر می‌شود و مردم می‌توانند برای آب آشامیدنی از آب پاکیزه استفاده کنند.» در آخرین ماموریت نذر خدمت، جمعیت هلال احمر استان زنجان ۲ دستگاه تصفیه آب ۱۰ هزار لیتری، برای روستاهای منطقه پل دختر استان لرستان و با کمک خیرین داوطلب تامین کرد.

همراهان خودجوش

به طور کلی استان زنجان در نذر خدمت امسال، ۴ پروژه محوری برای محرومیت‌زدایی دنبال کرده است که شامل ارائه بسته‌های معیشتی و بهداشتی، پروژه آب‌رسانی و محیط‌زیست، سلامت و معاینات پزشکی، آموزش‌های بهداشت و کمک‌های اولیه و آموزش‌های منطبق با نیاز منطقه مثل مسائل مرتبط با کشاورزی می‌شود. نام‌های بسیاری در کنار جمعیت هلال احمر قرار دارد، البته منفرد نمی‌خواهد اسم آن‌ها را به زبان بیاورد، ولی از انسان‌دوستی خیرین می‌گوید: «این خیرین، بر اساس نیت انسان‌دوستانه خود هر سال در نذر خدمت کنار ماست و نسبت به تامین آب آشامیدنی روستاها و مناطق هدف همراه و همدل است. ۳۲ نفر از داوطلبان، پزشکان و خیرین امسال همراه ما بودند؛ از کارگر، میل‌ساز و مهندس آسانسور گرفته تا پزشک عمومی و پزشک فوق تخصص. کار ویژه امسال اما همراهی یک تیم برای رنگ کردن مساجد و بازسازی مدارس بود. امسال ما تنها استانی بودیم که در کل کشور این طرح را به صورت خودجوش اجرا کردیم.» به جز اقدام خودجوش، خیرینی هم بودند که بدون دعوت و خودجوش همراه شدند: ۴ نفر از خیرین خودجوش آمدند و همه چیز را هم با خود آوردند. رنگ و هر ابزاری که نیاز بود همراه آوردند و مدارس و مساجدی را که میزبان زائرین اربعین هستند، بازسازی کردند.»

داستان یک کشتی امداد رسان

«فارور»، التیام بخش زخم‌های جزیره

سمیرا صیدی | گنجینه عظیم و ارزشمندی در این مکان می‌درخشد؛ اینجا پر از یاد و خاطره است. هر کدام از وسایل آن هم داستانی دارد، داستانی به اندازه یک تاریخ. یکی از وسایلی که در موزه هلال ارزشمند است و داستان جالبی هم دارد، ماکت «کشتی فارور» است. کشتی که به اندازه یک تاریخ، داستان و حکایت دارد. کشتی فارور، کشتی بیمارستانی جمعیت هلال احمر است که در دوره‌ای از تاریخ جنگ تحمیلی، به داد امداد رسانی در جبهه حق علیه باطل رسید.



تلاش‌های نوآورانه کشتی فارور

شده؛ ماکت به جای مانده از کشتی هم، آنچه در موزه هلال احمر نگهداری می‌شود، ساخت همان شرکت آلمانی است. مأموریت اصلی فارور، ارائه خدمات پزشکی و بهداشتی به شهرهای ساحلی و جزایر دورافتاده در خلیج فارس و دریای عمان بود؛ مناطقی که در آن زمان، دسترسی محدودی به مراکز درمانی تخصصی داشت.

دارد. این ماکت یک یادگار ارزشمند است؛ کشتی که یکی از پیشرفته‌ترین و تجهیز شده‌ترین کشتی‌های بیمارستانی ایران در دهه ۴۰ خورشیدی است. ماکت کشتی بیمارستانی فارور که نامش را از یکسی از جزایر خلیج فارس وام گرفته، نماد پزشکی دریایی نوین ایران است. کشتی فارور، در سال ۱۳۴۹ توسط شرکتی آلمانی ساخته و در همان سال هم به آب انداخته

اینجا یک دنیا خاطره، خانه کرده است، جایی در میان راهروی پر از هدایا؛ قدم زدن در راهروی باریک، مانند بازگشت به گذشته است. جام، مدال، خنجر و لباس، همه هدایای صلیب سرخ و هلال احمر کشورهای دیگر، آفریقای، آسیایی و اروپایی، اینجا دیده می‌شود. یک ماکت کشتی اما بیشتر از همه، جلوه

عمل جراحی روی عرشه کشتی

اتاق عمل، باند فرودگاه در عرشه و آمبولانس امدادی، بخش بستری، آزمایشگاه، داروخانه و بخش رادیولوژی از امکانات کشتی امدادی بود؛ البته که همه تجهیزات به تنهایی قابلیت استفاده نداشتند، زمانی که متخصص آن باید حضور می‌داشت. همین هم باعث شده بود تا کادر مجرب و تیم پزشکی، از پزشکان، جراحان، پرستاران و تکنسین‌های آموزش‌دیده در کشتی حاضر شوند.

سرنوشت کشتی

پس از سال ۱۳۵۷، با تغییر ساختار جمعیت شیر و خورشید به «جمعیت هلال احمر» و نیز متمرکز شدن خدمات درمانی در شهرها و ایجاد بیمارستان‌های زمینی در مناطق ساحلی، ضرورت حضور کشتی بیمارستانی به تدریج کاهش پیدا کرد. فارور تا اوایل دهه ۶۰، روی دریای می‌راند، بعد اما به خاطر فرسودگی، هزینه سستگین نگهداری و تغییر اولویت‌ها، در نهایت از چرخه

خدمت‌رسانی خارج شد اما ماکت کشتی، جایی در یادبودها باقی مانده است. یکی از مهمترین ویژگی‌های ماکت کشتی فارور این است که بر تعهد جمعیت هلال احمر به ارائه خدمات بشردوستانه حتی در سخت‌ترین شرایط و دورافتاده‌ترین مناطق اشاره و تاکید دارد. ماکت کشتی فارور در موزه هلال احمر، تنها یک ماکت ساده نیست؛ بلکه یاد بودی از عصر طلایی خدمات دریایی بشردوستانه نگه داشته شده است.

کشتی زیبا، چند طبقه دارد؛ طبقه زیرین کشتی، تاسیسات بود. طبقه وسط، بخش و طبقه بالا در راهروی راست، اتاق‌های پرستاران و پزشکان بود. در راهروی دیگر، اتاق آقای «آستار»، مدیرعامل کشتی و مدیر شیر و خورشید و اتاق پزشک جراح دکتر «روشن» بود که رئیس بیمارستانی فارور شناخته می‌شد. در سفرهای ۹۰ روزه کشتی روی موج‌های دریا، همیشه به جز جراح پزشک عمومی، داخلی و چشم‌پزشک و البته یک ماما هم در ایران بود.

در ماموریت‌های فارور حاضر بودند. کشتی فارور در بندرهای مختلف (از جمله بوشهر، چابهار، بندرعباس و جزایر) لنگر می‌انداخت. آمبولانس‌های شهرهای ساحلی، بیماران را به کشتی منتقل می‌کردند و عمل‌های جراحی تخصصی و درمان‌های ضروری در همان‌جا انجام می‌شد. این سیستم، نخستین نمونه از «پزشکی دریایی منظم» در ایران بود.

در بسته فرهنگی - سرگرمی این شماره، به سراغ داستان‌ها و روایت‌ها رفتیم

روایت آدم‌ها

لیلی تهرانی | روایت ماندگار است، شاید به خاطر همین است که امروز، در روزهایی که بیش از هر زمان دیگری، دلمان یک کرسی داغ، جمع دوستانه و صمیمی و یک جمع خودمانی می‌خواهد، به سراغ روایت‌ها و داستان‌ها رفتیم؛ از کتاب تازه منتشر شده، فیلم، بازی و حتی یادگست پیشنهادی ما، همه و همه، این روایت‌ها و داستان‌ها هستند که بیش از هر چیزی دیگری، مخاطب جذب می‌کند، پس این شما و این بسته فرهنگی، سرگرمی این شماره پیام هلال.

آناکوندا



: یک فیلم کم‌دی، هیجان‌انگیز و قابل لمس؛ قابل لمس از این جهت که در ذهن همه ما آرزویی وجود دارد که باید جامعه عمل پوشانده شود، این فیلم درباره همین است، درباره دوستانی که در نوجوانی، آرزویشان بوده است تا فیلمی درباره آناکوندا، مار غوال پیکر در جنگل‌های آمازون بسازند و حال در بحران میان‌سالی، سعی دارند، به آرزویشان برسند؛ حال این که نمی‌دانند قرار است، با مار واقعی آناکوندا روبه‌رو شوند.

قندیل



داغ داغ تازه به پیشخوان کتابفروشی‌ها رسیده است، کتاب قندیل را می‌گوییم که در اوایل بهمن ماه منتشر شده است. این کتاب راست این روزهاست و داستان واقعی دختری با نام مستعار بهار را که عضو گروهک تجزیه طلب پژاک می‌شود، تعریف می‌کند. بهار با واقعیت‌های تلخ و سخت زندگی در کوهستان، آموزش‌های نظامی، جدایی از خانواده و ممنوعیت روابط عاطفی روبه‌رو می‌شود. در بخشی از کتاب آمده است: «از کودکی حس حقارت همراه جسارت رفیق را هم بود. به هر نحوی سعی داشتم خودم را ثابت کنم تا از دیگران عقب نمانم. کمی‌ها را درونم می‌ریختم و زجر می‌کشیدم، ولی با پررویی تلاش می‌کردم از غافله عقب نمانم. از وقتی یادم می‌آید، طعنه و نگاه‌های تحقیرآمیز همسایه‌ها آزارم می‌داد. همیشه نوعی خودبرتری در نگاه و رفتارشان بود. خودشان را بالاتر و بهتر از ما می‌دانستند و ما را دهاتی و غریبه. محل ما شهرک‌مانندی در سسندج بود که بیشتر اهالی قاملیل بودند. بچه‌هایشان مرا به جمعشان راه نمی‌دادند...»

شیر مرغ

اگر در جمع‌های دوستانه‌تان بیشتر از ۳ نفر هستید، حتما بازی شیرمرغ بازی کنید، یک بازی گروهی و خلاقانه که مهارت‌های ارتباطی، خلاقیت و قدرت مذاکره‌تان را تقویت می‌کند. با این بازی، شما در نقش فروشنده‌هایی قرار می‌گیرید تا عجیب‌ترین محصولات را به مشتری‌هایتان بفروشید؛ همین باعث شوخی و خنده در فضای بازی می‌شود.



رادیو نیست

رادیو نیست.

شعارشان این است، این که ما راوی مکان‌های خاموش هستیم و درباره مکان‌هایی است که شما شاید یک روز، به آنجا رفته‌اید و یا نه، اسمشان را یک بار شنیده‌اید؛ هر اپیزود، درباره یک چیز صحبت می‌شود، مدرسه دارالفنون، کافه نادری، کارخانه ارج، هتل اینترنشنال، هتل گراند، سینما متروپل و ... هر کدام یک قسمت دارند و درباره موسسشان، آنچه بر آن گذشته و حال در چه شرایطی است، همه و همه، اینجا درباره تاریخ صحبت می‌شود، اما تاریخ جاهایی که داستانی برای گفتن دارند. یک تا یک ساعت و نیم، زمان هر قسمت از اپیزود است و عموماً هم اطلاعات بر اساس روایت‌ها از منابع موثق هستند.

